

# عدالت اجتماعی

## از نگاه اقتصاد آزاد



### سخنرانان و شرکت کنندگان

#### در میزگرد:

#### ۱ اشاره

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در میان نگرشهای متعدد اقتصادی، همواره دو نگرش بیش از رویکردهای دیگر مورد بحث و توجه متفکران، کارشناسان و مدیران اقتصادی کشور قرار گرفته و حتی جنبه هایی از آن دو به طور نسبی در عمل به بوته آزمایش درآمده اند، این دو نگرش عبارتند از: اقتصاد دولتی و اقتصاد آزاد و رقابتی.

در سالهای پس از انقلاب بویژه در دوران جنگ تحمیلی شرایط سیاسی، اقتصادی و صنعتی جامعه موجب شده بود که امور مختلف جامعه علی رغم مخالفت پاره ای گروهها از طریق روشها و شیوه های اقتصاد دولتی اداره شود. پس از پایان جنگ و تغییر شرایط جامعه و تا حدی باز شدن فضای اقتصادی کشور، بحث تعدیل اقتصادی، تشویق خصوصیتی سازی، سرمایه گذاری و ضرورت توسعه و رشد اقتصادی، بازار رقابتی، کاهش تعرفه های گمرکی و ضرورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مطرح و مورد توجه مسئولان سیاسی و مدیران بنگاهها و سازمانهای مختلف قرار گرفت.

طرفداران اقتصاد دولتی برای پیاده کردن اهداف خود بر عواملی نظیر توزیع برابر درآمد و امکانات و ثروتهای جامعه، پرداخت هدفمند یارانه ها، کنترل و نظارت بر قیمتها، جلوگیری از انباشت ثروتهای کلان، متعادل کردن درآمدها، پایین آوردن میزان فقر، کاهش فاصله طبقاتی و در نهایت ایجاد عدالت اجتماعی تاکید دارند. برعکس معتقدان اقتصاد آزاد براین باورند که تحقق اخلاق و عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی خود، برچیده شدن انحصار و رانت دولتی و پیامدهای منفی ناشی از آنها و نیز از بین بردن فقر در جامعه تنها در سایه عدم دخالت دولت و استقرار و توسعه اقتصاد آزاد و رقابتی امکان پذیر است.

باتوجه به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و طرح مجدد بحث عدالت اجتماعی در جامعه و نیز توسعه روزافزون دامنه اقتصاد جهانی، چند تن از صاحب نظران اقتصادی همفکر و طرفدار اقتصاد آزاد طی چند نشست در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف به طرح نظرات و جمع بندی دیدگاههای خود پیرامون آزادسازی اقتصادی و عدالت اجتماعی پرداخته و براین نکته تاکید کردند که جامعه، در حال گذار از اقتصاد دستوری و دولتی به اقتصاد آزاد و رقابتی است و بنابراین با اجرای برنامه ها و توصیه هایی می توان دغدغه ها و نگرانیهای ناشی از دوران گذار را به حداقل کاهش داد.

نظر به اهمیت این گونه مباحث علمی و ضرورت از بین بردن پاره ای برداشتهای غلط نسبت به فلسفه اقتصاد آزاد در جامعه و نیز آگاهی بیشتر مدیران بنگاهها در مورد اصول، کم و کیف و اثرگذاری این نوع اقتصاد در تحولات جامعه، تدبیر درصدد برآمد که خلاصه ای از مباحث مطرح شده را در چارچوب میزگرد به اطلاع خوانندگان خود بویژه مدیران برساند. تدبیر نیز از طرح و بیان دیدگاههای مخالف در هر زمان استقبال می کند.

با سپاس از همکاری مسئولان محترم دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، خلاصه ای از دیدگاههای مورد بحث را در پی از نظر می گذرانیم.



■ محمد طیبیان: دکترای اقتصاد، رئیس موسسه عالی بانکداری ایران



■ مهدی علی: دکترای اقتصاد، رئیس موسسه مطالعات بین المللی انرژی



■ موسی غنی زاده: دکترای اقتصاد اجتماعی، عضو هیات علمی دانشگاه صنعت نفت



■ غلامعلی فرجادی: دکترای اقتصاد، قائم مقام موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی و مدیر گروه اقتصاد موسسه



■ مسعود نیلی: دکترای اقتصاد، مدیر گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف

اخلاقی وجود دارد. سوء تفاهم های رایج را سوسیالیست ها و منتقدان مدرن اقتصاد آزاد مطرح کردند و دامن زدند. اخلاق مجموعه ای از بایدها و نبایدهای رفتاری است. این بایدها و نبایدها مبتنی بر ارزشهای پذیرفته شده ای است که با تعابیر خوب و بد توصیف می شود. گرچه اخلاق سنتی و مدرن تا حدی تغییر کرده، اما اهداف اخلاق همان است که بود.

### مفهوم عدالت

در سبب فضیلت اخلاقی، از دید اندیشمندان مهمترین مفهوم، عدالت است. در اندیشه مدرن، عدالت با رعایت حقوق طبیعی تعریف می شود. «جان لاک» به عنوان نماینده

با توجه به تصویری که در باب تعارض میان عدالت اجتماعی و اقتصاد آزاد در کشور هست می توان گفت که هیچگاه این بحث در قالب نشست و سخنرانی در کشور تبیین نشده و همواره سئوالات و ابهامهای بسیاری در این مورد وجود دارد که امیدواریم با این گونه نشست ها رفع شود.

**دکتر غنی نژاد:** هیچ ارتباط مستقیمی میان سلسله جلسات «اقتصاد و عدالت» با انتخابات ریاست جمهوری نیست، اما ارتباط غیرمستقیم وجود دارد. حسب روزگار تمام کاندیداهای ریاست جمهوری طرفدار اقتصاد آزاد شده اند، ضمن آنکه تمامی آنها از مقوله عدالت اجتماعی

**دکتر نیلی:** در آغاز این جلسات باید عرض کنم که در حوزه فکری در حداقل ۵۰ سال اخیر تمامی روشنفکران، سیاسیون و دانشجویان مبارز، مهم ترین هدف خود را عدالت اجتماعی قرار دادند و حاضر شدند برای آن جان دهند.

متأسفانه سالها است که تاکید بر لزوم برقراری عدالت اجتماعی یا مخالفت با اقتصاد رقابتی و آزاد توأم شده است. به این معنا که بسیاری کارکرد اقتصاد آزاد را در تضاد با عدالت اجتماعی می دانند. شروع این رویکرد با ممنوعیت تدریس اقتصاد در دانشگاهها از سوی استالین بود و تا امروز با تغییرات اندکی ادامه یافته است. در ایران هم در طول ۲۵ سال

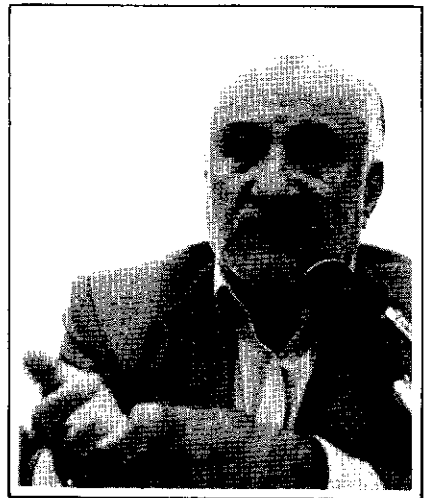


فلسفه مدرن بر این نکته تاکید دارد که عدالت قائم بر مالکیت است. از دید لاک نیز مالکیت ناظر به داشتن چیزی است و بی عدالتی، یعنی تجاوز به این حق. انسان مالک آزادی و شان خود است. بنابراین نفی شأن انسان، یعنی لغو مالکیت و هویت او. اما جدی شدن این تلقی ها و استناد به آن با انتقاد سوسیالیست ها و اخلاق گرایان سنتی روبه رو شد. مهمترین اتهام مخالفان آن بود که خود محوری انسان مدرن بزرگترین ارزش اخلاقی، یعنی نوع دوستی را تحت الشعاع قرار می دهد و جامعه مدرن را از معنویت تهی می کند. این اتهام نشأت گرفته از

نگرانی دارند. یکی از مأموریت های این جلسه آن است که گفته شود بحث اقتصاد آزاد با عدالت در تضاد نیست. به لحاظ مبانی، مفهوم عدالت مسبوق به اخلاق است. بدون اشاره به اخلاق نمی شود در باب مفهوم عدالت سخن گفت. عقیده بر آن است که در اقتصاد آزاد، تنها کارایی، تولید، ثروت و رفاه مورد توجه است و اخلاق و عدالت در آن جای ندارد.

برای رفع این نقیصه دولتمردان دست به کار می شوند تا با دخالت خود مشکل را حل کنند. این مهمترین توجیه دخالت دولت است. در نظام رقابتی بازار، مبانی مفهومی قوی

اخیر سند سیاستگذاری تدوین نشده که در آن تاکید بر عدالت اجتماعی نباشد. راهکار عملی این هدف نیز حداقل یک بار، باز توزیع ثروت و درآمد بوده است. اتفاقی که در مقطع پیروزی انقلاب به اجرا درآمد. یعنی ثروت بسیاری مصادره شد یا در اختیار افراد دیگر قرار گرفت. چندین نهاد هم برای انجام این باز توزیع تشکیل شدند. پس از آن سیاستهای یارانه ای نیز سالیانه متمادی به کشور تحمیل شد، اما با این همه کار به جایی رسید که پس از ۲۵ سال هنوز رضایتی در باب توزیع ثروت حاصل نشده است.



دکتر طبیبیان:

**عدالت در بسیاری از کاربردها از فضایی فردی است، اما در مفهوم امروزی آن به عنوان تقوای نظام اجتماعی شناخته شده است.**

**به گفته «رالز» برای اینکه عادلانه فکر کنیم باید فرض کنیم همه انسانها در شرایط برابر و بدون امتیازاتی که دارند، تازه به دنیا آمده اند.**

**بهتر است مراقب باشیم که عده ای بی دلیل ثروتمند نشوند و از ابتدا رانت ایجاد نکنیم.**

**ارزشهایی مانند اخلاق کانتی و اخلاق دینی موجب فراهم شدن بستر برای تحقق عدالت می شود.**

**عدالت در جوامعی قابل تحقق است که به دور از رشک باشد و هر کس به امکانات و ویژگیهای خودش قانع باشد.**

**عدالت به معنای تقوای نظام اجتماعی موردنظر ماست.**

**عدالتی که من به آن اعتقاد دارم در چارچوب نظام اقتصادی بازار آزاد است.**

**اگر حکومت دنبال نجارت باشد، هم مردم و هم دولت فقیر می شود، ولی دولتی که اجازه بدهد مردم ثروت تولید کنند، هم خودش و هم مردم موفق می شوند.**

آن بود که سرمایه داران را فاقد اهداف اجتماعی می دانستند و معتقد بودند دامن زدن به رقابت مانع تعاون می شود.

در پاسخ به این نظر باید گفت همبستگی گروهی در دوام جامعه کوچک کارکرد مهمی دارد. در گذشته تاریخی جوامع کوچک یا قبیله ای بدون همبستگی امکان بقا نداشتند. این همبستگی و تعهد به اهداف جمعی، در سازمان مدرن امروز نیز وجود دارد و لازمه موفقیت بنگاههایی است که اعضایشان رابطه ارگانیک دارند. در خانواده هم رقابت بی معنی است و ضد انرژی تلقی می شود، اما به این اعتبار نمی توان اخلاق جامعه کوچک را به جامعه بزرگ تعمیم داد. جامعه بزرگ، جامعه شهرنشین است که نمی توان آن را با اهداف مشترک جمعی اداره کرد. اینجاست که انسان مدرن در می یابد در دو دنیای اخلاقی زندگی می کند. غفلت از این واقعیت که انسان مدرن در دو دنیای ارزشی است و تعمیم دادن ارزشهای یک جامعه به جامعه دیگر نه تنها ناممکن است که در عمل نامطلوب تلقی می شود. در جامعه کوچک امکان نظارت مستقیم و تقسیم کار وجود دارد اما جامعه بزرگ تنها از طریق نظام اقتصادی یا مکانیسم قیمت‌ها می تواند کار کند.

**دکتر طبیبیان:** عدالت، یک مفهوم ارزشی است و از این منظر به قلمرو فلسفه اخلاق مرتبط می شود. عدالت در بسیاری از کاربردها از فضائل فردی تلقی می شود، اما در مفهوم امروزی آن به عنوان تقوای نظام اجتماعی شناخته شده است.

### تقوای نظام اجتماعی

«دکارت» می گوید یکی از ابزارهای عدالت وجود شهروندانی است که حداقل رفتار منطقی را در ذهنشان ملکه کرده باشند.

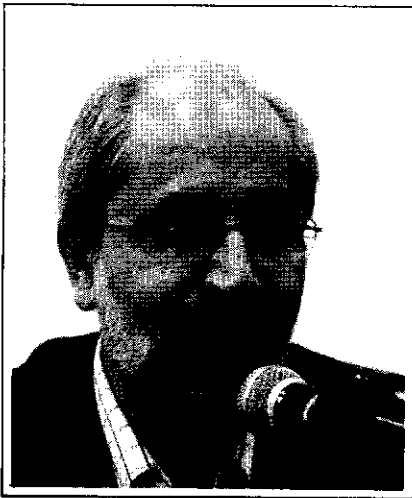
«رالز» می گوید برای اینکه عادلانه فکر کنیم باید فرض کنیم همه انسانها در شرایط برابر و بدون امتیازاتی که دارند تازه به دنیا آمده اند، در این صورت اصل برابری را بر فرض اینکه همه امتیازها را پاک کنیم، مبنای قرار می دهیم.

به عقیده «رالز» با وجود دو شرط می توان برابری را نقض کرد تا افراد از نظر ثروت و قدرت در جایگاه یکسان نباشند. یکی از این دو شرط آن است که قدرتها به جایگاه و منصب منوط باشد نه به افراد، یعنی قدرت قضایی به دلیل قضایی بودنش باشد، نه اینکه شخص خاصی است و دوم اینکه همه مردم بتوانند برای کسب آن مقام و منصب با هم رقابت کنند.

طبیعی است که نمی توانیم بگوئیم به دلیل وجود عدالت، کارگر و مدیر کارخانه به یک اندازه ثروت داشته باشند، چون در این صورت مدیر کارخانه هم به اندازه کارگر فعالیت می کرد و بقیه عمرش را استراحت می کرد و همان قدر ثروت به دست می آورد. اما «رالز» در اینجا می گوید که نابرابری را باید طوری تعریف کنیم که به نفع همه باشد. بنابراین شرط نقض برابری در حوزه ثروت به عقیده «رالز» این است که ببینیم قوانین در این حوزه طوری طراحی شده که به نفع همه باشد یا خیر؟ البته همه اینها باید در سازمان اجتماعی تعریف شود که در آن آزادیهای اساسی مثل آزادی اندیشه، آزادی سیاسی، آزادی اجتماعات و شرکت در آنها، آزادیهای حافظ کرامت انسانی مثل آزادی از اسارت و بندگی و آزادیهای تعریف شده در قانون وجود داشته باشد. در غیر این صورت جامعه نابسامان می شود و در جامعه نابسامان، مردم از فرهنگ و همه چیزشان بیزار می شوند.

اوایل انقلاب وقتی ما کارخانجات را مصادره می کردیم و ثروت‌های آنها را ضبط می کردیم از این نکته غافل بودیم که ثروت اصلی اینها، متخصصان شان است که می روند و مردم، همان فقرا هم از محصول و عواید آنها ناکام می مانند. بنابراین بهتر است مراقب باشیم که عده ای بی دلیل ثروتمند نشوند، چون وقتی بخواهی ثروت را از آنها پس بگیری یا فرار می کنی یا ثروتشان را ضایع می کنی. بهتر است از ابتدا رانت ایجاد نکنیم.

**دکتر فرجادی:** در دوسه دهه گذشته، دیدگاه اصلی در باب عدالت اجتماعی مطرح شده است. اول نظریه «بنتامی» یا مطلوبیت گرایی است که بر عدالت برحسب حداکثر کردن مطلوبیت اجتماعی تاکید دارد. دیدگاه



دکتر نیلی:

**شرط اساسی در رشد اقتصادی، بهبود گروه‌های کم درآمد است.**

**در کشورهای در حال توسعه برعکس کشورهای پیشرفته، سهم اصلی در آمد به سرمایه تعلق می‌گیرد، چون سرمایه عامل کمیاب است.**

**در جامعه‌ای که زیرساخت‌ها فراهم نیست، اگر به عنوان بازتوزیع درآمد قشر روستایی افزایش یابد، تنها رشد مصرف محقق شده است.**

**کیفیت نامطلوب توزیع درآمد از آثار اقتصاد دستوری است.**

**در اقتصاد بازار فرصت‌ها بر اساس رقابت توزیع می‌شود و حاصل آن انباشت مازاد اقتصادی در بنگاه‌های خصوصی است.**

**تورم، افزایش قیمت‌ها و فشار به گروه‌های کم درآمد از نگرانی‌های دوران گذار است.**

**علم اقتصاد در حوزه کاهش تورم بسیار موفق است.**

**رئوس برنامه‌های دوران گذار: بهبود وضعیت گروه‌های کم درآمد و متوسط جامعه، هدفمند کردن یارانه‌ها و نه حذف آنها، از بین بردن فرصت‌های رانت جویی، وفاق در اصلاح نظام یارانه‌ها.**

جامعه و دولت در رأس کار وسایل را فراهم کنند. این وسایل ناظر بر ایجاد قابلیت دسترسی به کالا و خدمات و وسائلی است که برای مردم ارزش دارد. تحقیق دکتر طبیبان نشان می‌دهد که وقتی وارد بررسی گروه‌های مختلف فقر می‌شویم درمی‌یابیم سالمندان، زنان سرپرست خانوار، بیسوادان و... دچار فقر بیشتری هستند. برای برخورداری بیشتر این اقشار هم نمی‌شود به سمت برابر کردن درآمدها برویم. بلکه برای پوشاندن فقر افراد باید با ارتقای آموزش، توانمندی و بهره‌وری افراد را بالا ببریم. در اکثر کشورهای نابرابری زیاد درآمد به عنوان چالش تلقی می‌شود، اما درعین حال تفاوتها توجه دارد.

**دکتر نیلی:** در توضیح سیاست «عدالت محور» نمی‌توان تئوری دقیقی ارائه کرد. نمی‌شود گفت سیاست «عدالت محور» چیست؟ تاکنون به این بهانه با عملکرد اقتصادی پیشین مخالفت شده است، اما کسانی که مخالفت کردند به صورت اثباتی از ترس مشخصی دفاع نمی‌کنند. گروه پردرآمد جامعه نه تنها مقصدار مطلق بیشتری پس انداز می‌کند، بلکه سهم بالاتری از درآمدها را هم پس انداز می‌کند، درحالی که گروه کم درآمد سهم و مقصدار کمی از درآمدها را پس انداز می‌کند. به این ترتیب گروه کم درآمد در شرایط نابسامان درآمدی، نه تنها پس انداز مثبت ندارد که مقروض است.

سوال اساسی درخصوص سیاست‌های رشد محور اقتصادی آن است که ثمره رشد را چه کسانی می‌چینند؟ در شرایطی که درآمد کل جامعه کم است، باز توزیع درآمد نمی‌تواند در بهبود فقر اثر چندانی بگذارد، حتی اگر این بازتوزیع به نفع گروه کم درآمد و به ضرر گروه پردرآمد باشد نیز به زیان جامعه است. چه سرمایه دار پس از این تجربه، سرمایه خود را از کشور خارج می‌کند.

شرط اساسی در رشد اقتصادی، بهبود گروه کم درآمد است و باید دید، ساز و کار رسیدن گروه کم درآمد به مواهب اقتصادی چیست؟ در کشورهای پیشرفته، توزیع کار و سرمایه به نفع نیروی کار است. یعنی ۷۰ درصد سود به نیروی

دوم دیدگاه «رالز» است با بیان اولویت آزادی. «رالز» سببی از مجموعه عناصر، ابزار و وسایله اولیه را مطرح می‌کند که در آن تقدم با آزادی است. «توزیک» نیز بسا پررنگ کردن حقوق مالکیت، بر اولویت کامل حقوق از جمله حقوق مالکیت تاکید دارد. نظریه چهارم دید متفاوتی را در باب آزادی مطرح می‌کند. «سنن» می‌گوید: «قابلیت نوعی آزادی است».

در نظریه «سنن»، به آزادی بیش از سایر موارد اهمیت داده می‌شود. در واقع بحث او از قابلیت آغاز می‌شود و به آنجا می‌رسد که قابلیت یا توانمندی، برای افراد آزادی فراهم می‌کند. «سنن» آزادی را از دو جنبه می‌بیند: «ابزار» و «هدف» توسعه. در رویکرد آزادی به عنوان ابزار، آزادی موجب رشد اقتصادی، رشد بهره‌وری، رشد درآمد ملی، پیشرفت صنعتی و افزایش رفاه و حرکت روبه جلوی جامعه می‌شود. یعنی آزادی انسان باعث شکوفایی و خلاقیت فرد می‌شود و او را در تولید بیشتر ثروت تشویق می‌کند. در توضیح این مطلب می‌توان گفت تجربه در هیچ موردی نشان نداده، جوامعی که گرفتار دیکتاتوری بودند، رشد اقتصادی شان بیشتر شده است. برعکس در صورت برخورداری از ابزار قابلیت‌ها و در واقع آزادبودن، افراد با کار و تولید بیشتر زمینه ساز رشد اقتصادی بالا شده اند.

«سنن» آزادی را در قالب اجتناب از محرومیت‌هایی چون گرسنگی، تغذیه ناکافی، بیسوادی، مرگ و میر، محرومیت از مشارکت سیاسی و... تعریف می‌کند. آزادی همان قدرت انتخاب است. در آزادی انتخاب است که افراد می‌توانند حتی به مسائل مادی پشت پا بزنند. «سنن» نیز جمله معروفی در این زمینه دارد که «روزه گرفتن اختیاری با اجبار به گرسنگی فرق دارد. داشتن گزینه خوردن، روزه گرفتن را تعریف می‌کند».

در اوایل دهه ۹۰ برخی اقتصاددانان پاکستانی گزارش توسعه انسانی به سازمان ملل را آغاز کردند. در آن زمان مرتب از عناصر جدیدی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی صحبت می‌شد. حاصل این جمع‌ها اندیشمندان را به این سو رهنمون شد که برای حرکت جامعه به سمت عدالت اجتماعی، باید

کار تعلق می‌گیرد و ۳۰ درصد به سرمایه. اما در کشورهای عقب افتاده و در حال توسعه، سرمایه اصلی درآمد به سرمایه تعلق می‌گیرد چون سرمایه عامل کمیاب است.

در کشورهای در حال توسعه نیز ابتدا سود به سرمایه تعلق می‌گیرد، اما در فرایند رشد، وضعیت فقر بهبود می‌یابد هر چند که توزیع درآمد بدتر می‌شود. در ایران هم رشد اقتصادی منجر به بهبود فقر شده است. عملکرد آماری اقتصادی نشان می‌دهد رشد اقتصادی در ایران به نفع کاهش فقر بوده است. در نتیجه اینکه تصور کنیم بین رشد و فقر فاصله است و نمی‌شود نظری و عملی دفاع کرد، غلط است. همچنین با وجود بهتر نشدن توزیع درآمد، وضعیت فقر در ایران بهبود پیدا کرده است.

در جامعه‌ای که زیرساخت‌ها فراهم نیست، اگر به عنوان بازتوزیع، درآمد قشر روستایی افزایش یابد، تنها رشد مصرف محقق شده است. در اقتصاد دستوری، قیمت پایین می‌آید و دستمزد بالا می‌رود. این تصمیم در این جهت اتخاذ می‌شود که دستمزد حقیقی بیشتر شود و رفاه بالا برود، یعنی قیمت در بازار کالا و خدمات کمتر از قیمت تعادلی تعیین می‌شود و با مازاد تقاضا مواجهیم. مثلاً در مورد کالاهایی که برای آن صف وجود دارد مانند نان تامین اقلام مصرفی اساسی برای جوامع شهری نیز از ارکان عدالت اجتماعی است. در همین راستا دو سال است در قالب خودکفایی گندم دولت گندم را به قیمت بالاتر از نرخ بین‌المللی از کشاورزی می‌خرد و آن را با قیمت بسیار پایین تر به نانوایان می‌فروشد. قبلاً چون منابع خرید گندم به قیمت پایین فراهم نمی‌شد، فشار روی روستاییها بود. یعنی گندم را به مردم شهری ارزان می‌فروختند. به بیان دیگر جامعه روستایی به جامعه شهری یارانه می‌داد.

**دکتر عسلی:** اقتصاد آزاد براساس رقابت و مالکیت خصوصی شکل می‌گیرد. استعدادهای مختلف هم منجر به نابرابری می‌شود. بازار، افراد ناکارآمد را تنبیه و افراد کارآمد را پاداش می‌دهد. در نتیجه توزیع نابرابر ایجاد می‌شود و در نهایت منجر به دخالت

دولت می‌گردد. امروزه بحث در این است که دولت‌ها باید کمک کنند تا فرصتهای برابر ایجاد شود و اقتصاد با حداکثر کارایی کار کند.

برای حذف فقر در جامعه به منابعی احتیاج است که باید از رشد اقتصادی تامین شود. دولت‌ها باید به دو نکته عمل کنند: ۱- تخصیص درست منابع، برای اینکه بازارهای رقابتی به طور درست عمل کنند و کارایی اقتصاد بیشتر شود. ۲- حذف فقر و نابرابری‌ها از جوامع و به عبارتی توزیع درآمد به طور درست صورت گیرد.

اگرچه سازوکار بازار به تخصیص بهینه منابع، کارایی و رشد اقتصادی منجر می‌شود ولی در برخی موارد (بازده صعودی نسبت به مقیاس، وجود عوارض خارجی، کالاهای عمومی و...) سازوکار بازار با شکست مواجه می‌شود و نمی‌تواند تخصیص منابع را به نحو مطلوب انجام دهد. علاوه بر ناکامیهای مربوط به شکست سستی بازار، ناکامیهای جدیدی نیز به عنوان شکست بازار موردشناسایی قرار گرفته که از بین آنها می‌توان به موارد مربوط به اطلاعات ناقص و پرهزینه، بازارهای ناکامل، هزینه‌های مبادله، فقدان بازارهای جدید، مسایل ریسک و... را نام برد.

در توضیح این موارد به بازار کار به عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد. در بازار کار به دلیل نبود اطلاعات متقارن میان کارگر و کارفرما، برای تعیین دستمزد مقدار متوسط در نظر گرفته می‌شود. بنابراین نیروهای کارآمد که پیشتر درآمدشان بیش از حد متوسط بوده، محل کار را ترک می‌کنند. در دولت نیز به دلیل عدم تقارن اطلاعات و نحوه مدیریت ناصحیح، افراد با کارایی بالا حذف می‌شوند. در چنین شرایطی انتخاب معکوس صورت گرفته است. در کشورهای در حال توسعه برخلاف آنچه در شعارها مطرح می‌شود، به دلیل شرایط نامساعد کار - بویژه در بخش دولتی - نیروهایی با کارایی کمتر به کار گرفته می‌شوند و به این ترتیب بازدهی و کارایی کاهش می‌یابد. در بازار کالا و خدمات نیز به دلایل مشابهی تخصیص غیربهینه صورت می‌گیرد. اینجاست که دولت با ورود و دخالت خود می‌تواند بازار را به حد بهینه برساند.

تخصیص غیربهینه از سیاستهای غلط نشأت گرفته است. به این دلیل وقتی دولت تصمیم می‌گیرد بازار را رقابتی و بهینه کند، به دلیل سیاستهای غلط، تخصیص‌ها غیربهینه می‌شود. یعنی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران دخالت دولت در نظام بازار نه تنها به بهبود شرایط منجر نشده، بلکه وضعیت تخصیص منابع را در وضعیت بدتری قرار داده است.

مواردی که عرض شد عرصه‌هایی را برای ایفای نقش دولت در عمل فراهم می‌کند. در تنظیم چگونگی ایفای نقش دولت، این پیش فرض وجود دارد که دولت برخلاف بخش خصوصی که منافع خود را تعقیب می‌کند تنها به دنبال منافع عمومی است. این دیدگاه توجه بیشتری برای دخالت دولت فراهم می‌آورد.

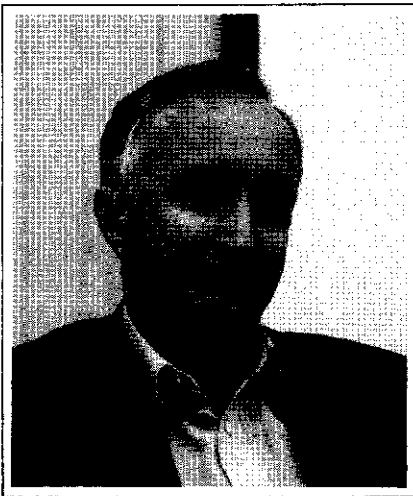
دولت می‌تواند با بهبود کارایی اقتصادی و بهبود توزیع درآمد از طریق سیستم مالیاتی، شرایط فعلی را تعدیل و بهبود بخشد.

تجربه کشورها نشان می‌دهد همانگونه که سازوکار بازار در مواردی به شکست بازار می‌انجامد، دخالت گسترده دولت در اقتصاد هم می‌تواند به شکست دولت منجر شود و در نتیجه کارایی، رشد اقتصادی، و عدالت اجتماعی از بین برود. بنابراین دولت و مکانیسم بازار می‌توانند نقش مکملی در تحقق کارایی و عدالت اجتماعی ایفا کنند. در واقع موضوع اصلی شکل و حدود وظایف دولت است و نه نفی وظایف آن.

**دکتر غنی نژاد:** در جامعه بزرگ امروزی نیاز به جمع‌آوری اطلاعات است. چنانکه «هابک» می‌گوید تنها شیوه غلبه بر پراکندگی اطلاعات، نظام رقابتی بازار یا مکانیسم قیمت است.

### رقابت

امروزه در بحثهای انتخابی روی این مسئله تاکید می‌شود که هیچکس تردیدی ندارد، رقابت مهمترین عامل کارایی، ثروت و رفاه ایجاد شده در جوامع صنعتی مدرن است. سوال اینجاست که در صورت اعتقاد به مفید بودن رقابت برای جامعه، چگونه آن را



دکتر غنی نژاد:

**بحث اقتصاد آزاد با عدالت در تضاد نیست.**

**بدون اشاره به اخلاق نمی شود در باب مفهوم عدالت سخن گفت.**

**سوء تفاهم های رایج در نظام رقابتی بازار را سوسیالیست ها و منتقدان مدرن اقتصاد آزاد دامن زدند.**

**در جامعه کوچک امکان نظارت مستقیم و تقسیم کار وجود دارد، اما جامعه بزرگ تنها از طریق نظام اقتصادی یا مکانیسم قیمت ها می تواند کار کند.**

**منطق اقتصادی نشان می دهد تولید ثروت در جامعه به توزیع برابر ثروت و کاهش فقر منتهی می شود.**

**چنانچه هربار به بهانه عدالت اجتماعی، آزادی اقتصادی محدود شود، انسانها آزادی خود را از دست می دهند و گرفتار تبعیض می شوند.**

**«هایک» می گوید: تنها شیوه غلبه بر پراکندگی اطلاعات، نظام رقابتی بازار یا مکانیسم قیمت است.**

**اخلاق و عدالت با زور حکومتی و مداخله دولت در حریم آزادیها ایجاد نمی شود.**

**برای اخلاقی رفتار کردن نصیحت و موعظه چاره بخشی نیست، باید ساختارهای درست فراهم شود.**

اما در میان مدت این مسئله برطرف می شود. اخلاق و عدالت با زور حکومتی و مداخله دولت در حریم آزادیها ایجاد نمی شود. نیکوکاری به هزینه دیگران از طریق اعمال حکومتی، هزینه ارزش اخلاقی است. برخی توصیه می کنند دولت از یک عده بگیرد و به بقیه بدهد. این حرکت، اخلاقی نیست. هنر اخلاقی در سلب مالکیت از یکی به نفع دیگری و با شعار عدالتخواهی نیست. رفتار اخلاقی باید با اراده و استقلال رای توأم باشد. جوامعی که بیشتر روی عدالت و توزیع درآمد تاکید کرده اند، دچار فساد اخلاق شدند. برای اخلاقی رفتار کردن، نصیحت و موعظه چاره بخش نیست، باید ساختارهای درست فراهم شود. «تهذیب نفس» هم یک فضیلت اخلاق فردی است، نه اجتماعی.

**دکتر طیبیان:** برای تحقق عدالت لازم است مردم احساسی از نیکویی داشته باشند و بحث عدالت در جوامعی که یک مفهوم عمومی از زندگی خوب دارند قابل تحقق است، ارزشهایی مانند اخلاق کانتی و اخلاق دینی موجب فراهم شدن بستر برای تحقق عدالت می شود.

در جامعه ما عدالت مفهومی از رشک دارد. عدالت در جوامعی قابل تحقق است که به دور از رشک باشد و هر کس به امکانات و ویژگیهای خودش قانع باشد. طبیعتاً اگر ما «برابری رالزی» را قبول کنیم، جامعه ای بدون رشک خواهیم داشت. در این جامعه هر کس متناسب با استعداد و تلاشش نصیب می برد و هر کس هم راهش باز است که امکانات بیشتری کسب کند و به هر نسبتی که تولید می کند به همان نسبت هم می تواند مصرف کند. اما در کشور ما به دلیل وجود نفت مثل حلوانی که از آسمان می آید، اینکه هر کس به اندازه تولیدش مصرف کند مبهم مانده است. در واقع بخشی از بحثهای عدالتی مردم همین مسئله تقسیم نفت است. قاعده انصاف در تقسیم می گوید، کسی که چیزی را تقسیم می کند باید قطعه آخرش را خودش بردارد.

در کشور ما دولت که تقسیم کننده نفت است، سهم اول را هم خودش برمی دارد.

ضد ارزش تلقی می کنند. در واقع اصلی ضد ارزش شمرده می شود که با کاهش فقر به افزایش رفاه بینجامد. بسیاری از سیاستمداران با اذهان غیرمنسجم عادت کرده اند حرفهای متناقضی بزنند. منتقدان نظام بازار آزاد، وجود فقر و شکاف طبقاتی را برخلاف رفاه اجتماعی می دانند. رقابت خواه ناخواه باعث ممتاز شدن گروهی نسبت به گروه دیگر می شود. این مسئله روش و اسلوب شناخت توانایی است. ضمن آنکه نتیجه رقابت در عرصه اقتصادی، نتیجه دائمی نیست. یک بار اول شدن در رقابت به معنی پیروزی مداوم و همیشگی نیست. زمانی که شرایط حقوق برابر شرکت در رقابت رعایت شود، دیگر نمی توان نتیجه به دست آمده را به عدالت ربط داد. نمی توان به دلیل خوب بودن اعضای تیم بازنده در یک مسابقه ورزشی نتیجه را تغییر داد. وقتی این بحث به جامعه تعمیم می یابد، منتقدین می گویند برای برقراری عدالت اجتماعی، دولت وارد عرصه شود و محدود کردن ثروت و برقراری عدالت را برعهده گیرد. این ورود به بهانه آن صورت می گیرد که عدالت قربانی کارایی نشود. این شعاری است که تمامی کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری نیز از آن سخن می رانند غافل از آنکه کارایی، شرط لازم برای بهبود زندگی اقشار کم درآمد است.

**منطق اقتصادی نشان می دهد تولید ثروت در جامعه به توزیع برابر تر ثروت و کاهش فقر منتهی می شود. برعکس هربار به بهانه عدالت اجتماعی، آزادی اقتصادی محدود شود و دولت با مداخله به نقض حقوق مالکیت دست زند، انسانها آزادی خود را از دست می دهند و گرفتار تبعیض می شوند.** نمونه این اتفاق کشورهای کمونیستی هستند. تولید ثروت زیاد در یک جامعه، یعنی نیاز به وجود مصرف کننده. بنابراین باید اقشار مختلف برای استفاده از این کالا ارتقا یابند. از این روست که در جوامع پیشرفته صنعتی، طبقه متوسط وسیع و بزرگ - که مصرف کننده عمده است - به وجود می آید و شکاف درآمدی کم می شود. با تولید ثروت بیشتر طبقه متوسط بزرگ به وجود می آید. گرچه در مسیر توسعه اقتصادی گاهی نابرابری درآمد زیاد می شود،

## وظایف دولت

دولت برای تحقق عدالت اجتماعی چند وظیفه مشخص دارد: اول، سیاست گسترش حقوق و آزادی های اساسی. برای تحقق این وظیفه باید حقوق مالکیت به صورت روشن و مشخص تامین شود. اگر با سلب مالکیت، منافع از دست کسی به دست دیگری برود به سرعت مناسبات از کشور خارج می شود. ریسک سرمایه گذاری بالا می رود و تولید کاهش می یابد. در این صورت عدالت اجتماعی هم کمتر محقق می شود. برخی ایراد گرفتند که در طول انقلاب و چهار برنامه توسعه به رشد چسبیدیم و عدالت اجتماعی را نادیده گرفتیم. وقتی این حرف را می شنوم، تصور می کنم حتماً ایران رشد ۸ درصدی داشته، حال آنکه در طول ۲۰ سال گذشته میانگین رشد کمتر از ۲ درصد در سال بوده و رشد جمعیت هم در همین حدود. پس فقر گسترش یافته و عدالت اجتماعی بدتر شده است. در برخی موارد هم حق مالکیت وجود دارد، اما از آن بهره مند نمی شوند، مثلاً کشاورز مالک زمین است، اما چون سند محکمه پسند ندارد، نمی تواند از بازار رسمی وام بگیرد. تامین آزادیهای اساسی، فراهم کردن فرصتهای برابر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در راستای رسیدن به گسترش حقوق و آزادی اساسی است. «سن» می گوید هم در چین قحطی آمد و هم در هند. اما تلفات در هند کمتر بود، چرا که دموکراسی بیشتر بود و مردم بسنده دلیل اطلاع رسانی درست، دولت را تحت فشار گذاشتند کسه تلفات را کم کند. در چین قحطی ها کمتر از هند بود، اما به دلیل نبود آزادی بیان تلفات بسیار بالاتر بوده است. مقابله با تبعیض (قومی، نژادی، مذهبی، جنسیتی و منطقه ای) و پاسخگویی به معنای توان پرسش از مأموران دولت نیز باید محقق شوند.

دومین وظیفه دولت، سیاست بهبود بخشیدن به سازوکار بازار است. تحقیقات نشان می دهد، سرمایه گذاری دولتی، رشد را کم و درآمد را کاهش می دهد. همچنین برای رسیدن به سازوکار بازار باید آزادی ارائه اطلاعات (جلوگیری از اطلاعات درون سازمانی)، رفع

در نتیجه درآمد نفت در اختیار دولت است، دولت درآمدهای خودش را دارد، شهری که دولت در آن است ثروتمند است و ۸۰ درصد از پس اندازهای کشور هم در بانک های تهران است. در کشورهای دیگر، خیلی دقت می کنند هنگام تقسیم منابع، دولت نفر آخر باشد که سهم خودش را برمی دارد. وقتی دولت دستش پیش مردم دراز باشد، زبانش کمتر دراز است، این اتفاق سیستماتیک است و هیچ فرقی نمی کند که چه دولتی بر روی کار باشد.

عدالت به معنای تقوای نظام اجتماعی مورد نظر ما است. اگر من می گویم بتزین و برق را گران کنید برای عدالت است. اگر می گویم انحصار و رانت برچیده شود برای عدالت است. منتها عدالتی که من به آن اعتقاد دارم در چارچوب نظام اقتصادی بازار آزاد است.

متأسفانه ما ایرانیها از حشرهای اجتماعی خوشمان می آید، ولی منطق را چون سخت است دوست نداریم. منطق اقتصاد هم منطق بسیار سخت و خشکی است. اگر حکومت دنبال تجارت باشد، هم مردم و هم دولت فقیر می شود، ولی دولتی که اجازه بدهد مردم ثروت تولید کنند هم خودش موفق می شود هم مردمش.

دکتر فرجادی: وقتی در دفاع از اقتصاد بازار صحبت می کنیم، برخی تصور می کنند، ما از بازارهای موجود دفاع می کنیم. درحالی که هدف ما دفاع از رقابت ایجاد شده در بازار و فعالیت بخش خصوصی است.

دولت خوب، دولتی است که کمترین دخالت را در صحنه اقتصاد داشته باشد. اقتصاد سیاسی جدید نشان داد دولت می تواند حداکثرکننده نفع خصوصی باشد. یعنی مدیران تلاش می کنند منافع خصوصی خود را حداکثر کنند. دخالت دولت در اقتصاد هم به کارایی اقتصادی و هم به عدالت اجتماعی ضربه می زند.

دولت باید وارد حوزه هایی شود که مخل رشد اقتصادی نباشد و عدالت اجتماعی را بهبود بخشد مانند آموزش، بهداشت و فقرزدایی. عدالت هم فقط در مفهوم توزیع درآمد خلاصه نمی شود، بلکه تحقق این مساله است که دولت چگونه کمک کند که عدالت اجتماعی ایجاد شود.

تحریف قیمتی و مداخله نکردن مستقیم دولت در سازوکار بازار، کمک به ایجاد و توسعه بازار، حذف امتیاز نامشروع (رانت) برای افراد غیرمولد، تقویت نظام انگیزشی و رعایت شایسته سالاری و دسترسی به محاکم قضایی سریع، ارزان، دقیق و شفاف فراهم شود.

وظیفه سوم دولت، سیاست توانمندسازی است. گسترش خدمات اجتماعی، گسترش اشتغال از طریق فعال کردن اقتصاد، گسترش آموزشهای فنی و حرفه ای و بیمه های اجتماعی، ایجاد چتر حمایتی برای گروههای فقیر، سالمند و ناتوان و تامین سلامت محیط زیست و جلوگیری از آلودگیهای زیست محیطی در تامین توانمندی مردم بسیار موثر است.

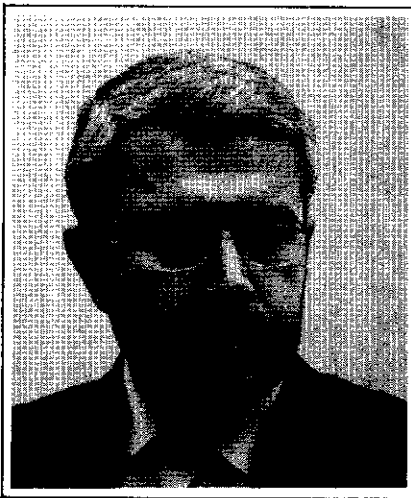
چهارمین و آخرین سیاست اساسی دولت نیز باید سیاست مستقیم کاهش فقر و باز توزیع درآمد باشد که از طریق اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح نظام یارانه ای، اصلاح ساختار هزینه دولت و گسترش تسامین اجتماعی فراهم می شود.

## اقتصاد بازار و اقتصاد دستوری

دکتر نیلی: در مقایسه با اقتصاد بازار و اقتصاد دستوری می توان گفت در اقتصاد بازار، فرصتها براساس رقابت توزیع می شود و حاصل آن انباشت مازاد اقتصادی در بنگاههای خصوصی است. درحالی که در اقتصاد دستوری، توزیع فرصت براساس دستور مقامات دولتی انجام می شود و انباشت مازاد اقتصادی هم به جیب دولت می رود.

الان از جمله مسائل مهمی که در روزنامه ها به آن پرداخته می شود، بررسی فساد مالی و اداری است. نمایندگان مجلس نیز می گویند در دولت فساد وجود دارد. سوال اینجا است، مدیرانی که فرایند سختی را طی می کنند تا مدیر شوند و در کشوری که معتقد به موازین است چرا فساد اتفاقی می افتد؟ در واقع اشکال از سیستم و مکانیسم است، نه افراد.

دومین مسئله ای که از آن به عنوان آثار اقتصاد دستوری یاد می شود کیفیت نامطلوب توزیع درآمد است. در اقتصاد دستوری مدیران و سطوح بالای دولتی صاحب درآمد می شوند،



دکتر عسلی :

دولتها باید در برنامه ریزی های خود به دو نکته توجه کنند: تخصیص درست منابع، توزیع درست در آمد.

اگرچه سازوکار بازار به تخصیص بهینه منابع، کارایی و رشد اقتصادی منجر می شود، ولی در برخی موارد با شکست مواجه می شود و نمی تواند تخصیص منابع را به نحو مطلوب انجام دهد.

همان گونه که سازوکار بازار در مواردی به شکست بازار می انجامد، دخالت گسترده دولت در اقتصاد هم می تواند به شکست دولت منجر شود.

دولت و مکانیسم بازار می توانند نقش مکمل در تحقق کارایی و عدالت اجتماعی ایفا کنند.

موضوع اصلی شکل و حدود وظایف دولت است و نه نفی وظایف آن.

دولت می تواند با بهبود کارایی اقتصادی و بهبود توزیع در آمد از طریق سیستم مالیاتی، شرایط فعلی را تعدیل و بهبود بخشد.

تنها راه برچیدن رانت ها و رفتن به سوی اقتصاد رقابتی و کار آمد، رقابت احزاب و فشار افکار عمومی است.

وجود دستگاه اداری کار آمد، بدون سیستم مالیاتی و بودجه ای کار آمد امکان پذیر نیست.

جویی از بسین برود و چهارم، در اصلاح نظام پارانه ها و فووق صورت گیرد.

در پایان عرایض خُشودم، خطوط کلی برنامه ها را ذکر می کنم:

- اصلاح قیمتها در فرایند تدریجی در جهت انطباق با قیمت جهانی

- اعمال انضباط جدی مالی (ممانعت از مصارف منابع ریالی در جهت حل کسری بودجه)

- اعمال انضباط پولی (ممانعت از رشد بی رویه حجم پول)

- بازگرداندن منابع جدید در نتیجه اصلاح قیمتها به گروههای کم درآمد و متوسط در قالب پرداخت مستقیم (فقر نوع اول) و اعطای وام بلندمدت (اشتغال یا فقر نوع دوم)

- اجرای همزمان سیاستهای مشوق رشد تولید و سرمایه گذاری (توسعه تعامل با جهان، توسعه بخش خصوصی و...)

- تاکید بر گسترش آموزش عمومی و فنی و حرفه ای و منظور کردن مشوق مالیاتی برای بنگاههایی که آموزش حین کار را توسعه می دهند (پذیرش این هزینه ها به عنوان هزینه های قابل قبول).

دکتر عسلی : در ایران و سایر کشورهای جهان سوم، دخالتهای دولت به سمت ایجاد انحصار در شرکتهای دولتی و جلوگیری از رقابت صنایع داخلی بوده که همگی انحصار غیرطبیعی است. شرایط بازار در ایران رقابتی نیست. در بازار کار ایران، دولت انحصار خرید دارد، یعنی می تواند با استخدام تعداد بیشتر نیروی کار، دستمزدها را پایین بیاورد. همچنین دولت با تعیین نرخ بهره در بازار پول و سرمایه اختلال ایجاد می کند. نگهداری نرخ اسمی ارز توسط دولت نیز موجب ایجاد اختلال در بازار خارجی کالا می شود. حتی دولت در وضع قوانین و مقررات دچار ناکارآمدی بوده است. نظام مالیاتی هم در ایران غیربهینه است. در کنار اصلاح نظام مالیاتی، بساید نظام فراگیر تامین اجتماعی نیز ایجاد شود.

### اصلاح ساختار

ضرورتهای اصلاح ساختار اقتصاد در چند

با کسانی که در کار آزاد فعالیت می کنند. سوم اینکه در اقتصاد دستوری انفعال و ضعف مالی وجود دارد. مبارزه با فقر با راضی نگاه داشتن گروههای موثر اجتماعی اعمال می شود. شوروی سابق یک لایه بیرونی داشت که ورزشکاران مدال آور و دانشمندان بودند. صنایع سنگین توسعه یافته بود، اما مردم عادی مغازه ها را برای مواد غذایی اولیه غارت کردند و کشور فروریخت. در نتیجه باید پرسید که اقتصاد دستوری هدفش مبارزه با فقر است، یا آنکه هدف پوپولیستی دارد و می خواهد شعار عدالت بدهد. بسرای مبارزه با فقر باید کسانی که به دلیل مشکلاتی چون معلولیت، بی سرپرستی و... دچار فقر هستند تحت پوشش حمایتی باشند و گروه دیگر که به دلیل رونق کم اقتصادی مشکل دارند، با رونق اقتصادی از فقر خارج شوند.

### دوران گذار

مسئله دیگر وضعیت گذار است. یعنی کشور در مرحله گذار از اقتصاد دستوری به اقتصاد رقابتی قرار دارد. تورم و افزایش قیمتها و فشار به گروههای کم درآمد، از نگرانیهای دوران گذار است.

علم اقتصاد در حوزه کاهش تورم، بسیار موفق است. در دنیا تورم تقریباً ریشه کن شده است. متوسط تورم جهانی ۵ درصد و در کشورهای پیشرفته ۱/۵ درصد است. این رقم برای کشور چین به ۰/۵ درصد کاهش یافته است. راه مبارزه با تورم نیاز به ابداع ندارد. در دنیا این مسیر بارها تجربه شده است. سال ۷۷ که بسزین از ۲۰ تومان به ۳۵ تومان رسید، گروهی پیش بسینی تورم ۵۰ درصد می کردند درحالی که برآورد ما ۲ درصد بود. نهایتاً درعمل تورم کمتر از ۱/۵ درصد رشد کرد. امسال هم با وجود تثبیت قیمت برخی کالاها باز تورم رشد کرد. این تصمیم اشتباه بود.

رئوس برنامه های دوران گذار را می توان این گونه ذکر کرد: اول، وضعیت گروه کم درآمد و متوسط جامعه با بسید بهبود یابد (در قالب برنامه های مبارزه با فقر). دوم، هدفمند کردن یارانه ها و نه حذف آنها. سوم، فرصتهای رانت



مورد خلاصه می‌شود: توسعه نظام فراگیر تامین اجتماعی، هدفمند کردن یارانه‌ها، تنظیم نظام بهینه مالیاتی، آزادسازی اقتصادی و رقابتی کردن بازارهای چهارگانه اقتصاد و اصلاح و ارتقای کارایی بخش عمومی.

در باب اصلاح و ارتقای کارایی بخش عمومی اولین گام کاهش تصدی دولت است. کاهش تصدی دولت و واگذاری موسسات اقتصادی به بخش خصوصی، اصلاح اداری و انضباط مالی و ارتقای کارایی تخصیص منابع در بخش عمومی و ارزیابی مالی و اقتصادی پروژه‌های بخش عمومی می‌تواند موجب کارایی این بخش باشد.

ارتقای کارایی بخش عمومی بدون اصلاحات سیاسی غیرممکن است. دولت چون از رانت موجود منتفع می‌شود، انگیزه‌ای برای رشد کارایی ندارد. تنها راه برچیدن این رانت و رفتن به سوی اقتصاد رقابتی و کارآمد، رقابت احزاب و فشار افکار عمومی است. سیاستهای موجود در برخی موارد به نفع رانت برخی گروهها کمک می‌کند. از جمله این موارد اختلال در بازار ارز است.

وجود دستگاه اداری کارآمد بدون سیستم مالیاتی و بودجه‌ای کارآمد امکانپذیر نیست. در حال حاضر سیستم بودجه و مالیات ما کارآمد نیست. در حال حاضر پایه مالیاتی ۷ درصد تولید ناخالص داخلی است. در ایران ۶۰ درصد درآمد نفتی صرف بودجه می‌شود و به دلایل مختلف، شفافیت و تخصیص صحیح منابع صورت نمی‌گیرد. اصلاح بخش عمومی نیز در گرو ارزیابی مالی صحیح پروژه‌های بزرگ است.

نکته آخر تاثیر نقش مثبت رشد اقتصادی در توزیع بهتر درآمد است. در کشورهای آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین رشد اقتصادی به تامین اجتماعی بهتر انجامیده است. مطالعات اقتصادسنجی در کشورهای در حال گذار نشان می‌دهد، رشد اقتصادی در اکثر موارد به رشد درآمد منتهی شده است.

### جمع بندی نهایی

تدبیر: در آخرین جلسه نشستها، دکتر نیلی

ضمن بیان خلاصه‌ای از جمع بندی مطالب کلیه سخنرانان، خبر انتشار بیانیه پایانی سلسله سخنرانی‌های «اقتصاد و عدالت اجتماعی» را اعلام کرد.

خلاصه بیانیه که دیدگاهها و مواضع سخنرانان اقتصاددان در این نشستها را به صراحت بازگو می‌کند به این شرح است:

مهم ترین ارزشهای اخلاقی پذیرفته شده در همه جوامع، احترام به حقوق، آزادی و کرامت انسانهاست که مستلزم وفای به عهد، راستگویی، درستکاری و به طور خلاصه عدالت است.

هیچ تمدنی در تاریخ بشری نتوانسته است بدون تکیه بر ارزشهای اخلاقی و عدالت، به حیات و بالندگی خود ادامه دهد.

اندیشه و تجربه بشری نشان می‌دهد که در نظام مبتنی بر حکومت قانون، اخلاق و عدالت بهتر می‌تواند تحقق پیدا کند.

در جامعه مبتنی بر حکومت قانون، نظام اقتصادی ضرورتاً باید اقتصاد بازار رقابتی باشد.

زیرا هرگونه اقتصاد دستوری در نهایت به نقض حکومت قانون می‌انجامد. در اقتصادهای دستوری، دولت به بهانه برقراری عدالت، به حقوق مالکیت و آزادی انتخاب افراد

تعددی می‌کند. اما مشکل اقتصادهای دستوری به این موارد محدود نمی‌شود، بلکه با تخصیص دولتی منابع و دخالت در سازوکار بازار، انواع امتیازهای نامشروع و رانت های حکومتی ایجاد می‌شود که نتیجه نهایی آن

رواج حامی پروری، ریاکاری و ظاهرسازی برای استفاده از امتیازها و رانت هاست.

برخلاف آنچه مخالفان نظام بازار رقابتی ادعا می‌کنند، اقتصاد آزاد نه تنها در تضاد با ارزشهای اخلاقی و عدالت نیست، بلکه شرط لازم برای تحقق آنها است.

مسئولیت پذیری به عنوان یکی از والاترین ارزشهای اخلاقی، وجه دیگر آزادی و اختیار (مالکیت) است. آنجا که آزادی انتخاب نیست و مالکیت، جمعی و مشاع است. مسئولیت

پذیری فردی بی معنی است و از همین رو است که در اقتصادهای دستوری، مسئولیت پذیری و پاسخگویی جایی ندارد.

انتقاد رایج دیگر از نظامهای اقتصاد آزاد متوجه جایگزینی اصل رقابت به جای همبستگی است. به این معنا که گویا در این جوامع نوع دوستی و کمک به دیگران تحت الشعاع رقابت به منظور حداکثر کردن منافع فردی قرار گرفته است. این انتقاد نشانه غفلت از کارکرد متفاوت برخی از ارزشها در جوامع کوچک سنتی و جوامع گسترده مدرن است. در جامعه کوچک امکان شناخت مستقیم افراد و در نتیجه تقسیم و تخصیص منابع براساس رعایت اصل انصاف و همبستگی وجود دارد، اما در جوامع میلیونی امروزی چنین کاری عملاً غیرممکن است و تنها از طریق مکانیسم قیمتها است که می‌توان براساس خواسته های افراد تخصیص منابع را انجام داد.

مخالفان نظام بازار رقابتی وضعیت نابسامان اقتصادی کشورهای در حال توسعه را اغلب به فروپاشی اقتصادهای سنتی و واردشدن اقتصاد مدرن رقابتی (سرمایه داری) به این جوامع نسبت می‌دهند. اما واقعیت این است که ثروتهای بادآورده، فقر، فساد و مسئولیت گریزی مسئولان اقتصادی همگی نشانه فقدان نظام بازار رقابتی است و نه وجود آن.

عمده صاحبان ثروت در جوامع در حال توسعه مدیران و کارگزاران دولتی و یا وابستگان حکومتی به ظاهر غیردولتی هستند که از رانت ها و امتیازات اقتصاد دستوری بهره می‌برند.

حکومت قانون و نظام بازار رقابتی دو وجه از یک واقعیت اند و وجود یکی بدون دیگری امکان پذیر نیست. منظور از نظریه اقتصاد بازار رقابتی، سازوکاری از تخصیص منابع اقتصادی است که براساس دو اصل عمده شکل گرفته و استمرار می‌یابد:

۱- پذیرش حق مالکیت فردی بر کالاها و داراییها و وجود نهادهایی که بدون ابهام این حقوق را مورد حمایت قرار دهند. ۲- پذیرش آزادی افراد در واردشدن به معاملات

داوطلبانه ای که در آن امکان مبادله حق مالکیت افراد بر داراییها از جمله نیروی کار خود و سایر اموال و کالاها را فراهم سازد.



### دکتر فرجادی :

**در رویکرد آزادی به عنوان ابزار، آزادی موجب رشد اقتصادی، رشد بهره‌وری، رشد درآمد ملی، پیشرفت صنعتی و افزایش رفاه و حرکت رو به جلوی جامعه می‌شود.**

**تجربه در هیچ موردی نشان نداده است جوامعی که گرفتار دیکتاتوری بودند، رشد اقتصادی شان بیشتر شده است.**

**در صورت برخورداری از ابزار قابلیت‌ها و آزادبودن، افراد با کار و تولید بیشتر زمینه ساز رشد اقتصادی بالا شده‌اند.**

**برای برخورداری بیشتر گروه‌های مختلف فقر، نمی‌شود به سمت برابر کردن درآمدها برویم.**

**برای پوشاندن فقر افراد باید با ارتقای آموزش، توانمندی و بهره‌وری افراد را بالا ببریم.**

**دولت برای تحقق عدالت اجتماعی چندوظیفه مشخص دارد: گسترش حقوق و آزادی اساسی، بهبودبخشیدن به سازوکار بازار، توانمندسازی و نیز سیاست باز توزیع درآمد.**

**تحقیقات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری دولتی، رشد را کم و درآمد را کاهش می‌دهد.**

می‌تواند درگیر فعالیتهای منفعت طلبانه غیرخلاق یا فعالیتهای رانت جویانه شود. لذا تجربه کشورها نشان داده است همان گونه که سازوکار بازار در مواردی به شکست بازار منجر می‌شود، دخالت گسترده دولت نیز می‌تواند به شکست دولت انجامیده و نه تنها کارایی و رشد اقتصادی بلکه عدالت اجتماعی را هم فدا کند.

بنابراین دولت و مکانیسم بازار می‌توانند نقش مکمل در تحقق کارایی و عدالت اجتماعی ایفا کنند.

هنوز هم حوزه‌های وسیعی برای عملکرد دولت وجود دارد. برطرف ساختن نارسایی‌های سنتی و جدید بازار، تامین کالاهای عمومی، تامین نیازهای مهمی مانند آموزش، بهداشت، مبارزه با فقر، بزه‌پستی، فراهم ساختن زیرساخت‌های مادی و اجتماعی و حفاظت از محیط زیست از آن قبیل محسوب می‌شوند.

موضوع اصلی این است که دولت نباید جایگزین مکانیسم بازار شود و یا به طور مستقیم با دخالت در مکانیسم قیمت‌ها موجبات تضعیف و انحراف انگیزه‌های فردی، افزایش دیوان‌سالاری، کاهش کارایی و نابرابری‌های درآمدی را فراهم سازد. بلکه باید با افزایش تواناییهای نهادهای بخش خصوصی به عملکرد بهتر بازار کمک کند.

در واقع ایفای نقش دولت در موقعیت مکمل بازار (نه جایگزین آن) باید در سیاستگذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد. حاصل سازگاری دولت و بازار با یکدیگر رشد و عدالت اجتماعی به طور توأمان خواهد بود.

علی‌رغم آنچه که بیان شد، نوعی نگاه به عرصه سیاستگذاری، به تفکیک دو رویکرد رشد محور و عدالت محور از یکدیگر تاکید دارد و تاکید بر رشد را مترادف با نفی عدالت اجتماعی دانسته و بر محوریت عدالت در مقابل رشد اصرار می‌ورزد. این تقسیم‌بندی سیاستهای اقتصادی به سیاستهای رشد محور و سیاستهای عدالت محور، می‌تواند حاکی از وجود درکی سطحی از عدالت باشد که در آن یکی از دو وجه بازتوزیع از گروه‌های پردرآمد به گروه‌های کم‌درآمد مورد توجه قرار می‌گیرد.

کشورهایی که اقتصاد خود را براساس بازارهای رقابتی سازوکار سامان بخشیده‌اند توانسته‌اند به درجات بالاتری از تولید و ثروت و تنعم دست یابند، به نحوی که در اکثر اینگونه کشورها فقر یک پدیده استثنائی است. حال آنکه در سایر جوامع، فقر قاعده عمومی و تنعم استثنا است.

برای یافتن پاسخ به این پرسش که آیا نظام اقتصادی مبتنی بر بازارهای رقابتی می‌تواند سازگار با مفهوم خاصی از عدالت باشد، به یک درجه تحلیلی فراتر از اقتصاد نیازمندیم. برای این کار به فلسفه اخلاقی توجه می‌کنیم که از نظر ریشه‌های تفکر، با علم اقتصاد مبتنی بر بازارهای رقابتی قرابت و همخوانی دارد.

«جان رالز»، بسط عنوان معروف ترین فیلسوف اخلاق معاصر، عدالت را «تقوای نظام اجتماعی» می‌داند. عدالت در نظریه رالز مبتنی بر اصول انصاف و برابری همه افراد است.

از دیدگاه «رالز» نابرابری در درآمد ناشی از رقابت افراد در بازارهای رقابتی و با فرصتهای برابر که ناشی از نابرابری در میزان تلاش و کوشش است. «عادلانه» تلقی می‌شود. براین اساس، نابرابری در توزیع درآمد و ثروت که ناشی از رانت‌ها، امتیازها، حق‌کشی‌ها و حذف کردن دیگران از دسترسی به فرصتهاست و یا ناشی از رشوه و اعمال نظرهای سیاسی و رفت‌وآرهای غیرفانونی است، «غیرعادلانه» تلقی می‌شود.

براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد رقابتی یگانه پارادایم سازماندهی اقتصاد است که می‌تواند از طریق برقراری ارتباط بین تلاشها و توانمندیهای افراد از یک طرف و بهره‌مندی آنان از مواهب و امکانات از طرف دیگر عدالت را بسط معنی رالزی آن که همانا برابری همه آحاد مردم در برخورداری از حقوق اساسی است محقق سازد.

نکته قابل توجه دیگر آنست که اقتصاد رقابتی، تنها شرط لازم برای تحقق عدالت تلقی می‌شود و شرط کافی ایفای نقش توسط دولت است، به گونه‌ای که دولت، تسهیل‌کننده عدالت و نه مانع از تحقق آن باشد.

تجربیات کشورها نشان داده است که دولت با دخالت گسترده خود در اقتصاد

ایجاد تقابلی بین رشد و عدالت، دفاعی ناصواب از عدالت است که آن را قرین فقر و ناداری تعریف کرده و تحقق عدالت را با رضای احساسات ناشی از سلب امکان بهبود وضعیت گروههای پردرآمد معادل تلقی می‌کند. اما نکته کلییدی آن است که وجه اشتراک این دو رویکرد به عدالت اجتماعی، غفلت از بعد دینامیک تحولات مورد نظر است که در هر دو رویکرد، در نتیجه فعل و انفعالات پدیده‌های گوناگون در طول زمان، عملاً مانع از تحقق عدالت می‌شود.

در رویکرد باز توزیعی، شکی نیست که ایفای نقش در چنین کارکردی از سوی دولت، مستلزم ستاندن درآمد از گروههای پردرآمد و توزیع آن میان فقراست. در این رویکرد به دلیل افزایش مصرف و کاهش پس انداز، وضعیت فقر بدتر، اما توزیع درآمد بهتر و در نهایت منجر به کاهش متوسط درآمد جامعه می‌شود. ضمن آنکه از طریق کاهش سطح درآمد گروههای ثروتمند فاصله درآمدی را کم کرده و این شرایطی است که آن را توزیع عادلانه فقر می‌نامیم که تنها رویکرد کوتاه‌نگرانه به عدالت اجتماعی است.

رویکرد دوم به عدالت اجتماعی، تجویز ورود دولت به حوزه عمل بنگاههای اقتصادی از طریق اعمال مالکیت بر این واحدها و یا تحمیل قیمتهای غیراقتصادی به واحدهای تولیدی است. بدیهی است در چنین حالتی، در مراحل اولیه که قیمتها پایین است، رضایت گروههای کم درآمد حاصل می‌شود. اما به تدریج با ثابت ماندن قیمتها، از یک طرف تولیدکنندگان انگیزه تولید این محصولات را نخواهند داشت، در حالیکه به تقاضای مصرف کنندگان افزوده می‌شود که این خود منجر به شکل‌گیری بازار آزاد (سیاه) می‌شود و از طرف دیگر، وقتی در یک کشور قیمت کالایی در سطحی بسیار پایین تر از سطح بین‌المللی تنظیم می‌شود، شبکه‌های قاچاق کالا برای عرضه به بازارهای بیرونی شکل می‌گیرد.

حاصل اعمال این سیاستها، گسترش اقتصاد غیررسمی، کاهش ظرفیتهای تولیدی، فساد اداری و مالی، افزایش کسری بودجه و تورم و تشدید بیکاری و در نهایت افزایش فقر

و نابرابری است.

در چنین اقتصادی عمدتاً کسانی که به نحوی امکان قرار گرفتن در مسیر رانت را پیدا می‌کنند از بهبود وضعیت برخوردار می‌شوند و افزایش بهره‌مندی نه شامل حال کارآفرینان و صاحبان فکر و خلاقیت می‌شود و نه گروههای فقیر و کم درآمد.

رویکرد سوم به عدالت اجتماعی رویکردی است که در چارچوب سازوکار بازار شکل می‌گیرد. تجربه نشان داده است نظامهایی که این شیوه تنظیم امور را انتخاب کرده‌اند، یکی از این سه تصویر را به نمایش می‌گذارند:

شکل اول استقرار نظام بازار بدون اعمال حساسیت بر وضعیت فقر و توزیع درآمد است که حاصل آن لزوماً منطبق با معیارهای تصمیم‌گیرندگان در مورد عدالت اجتماعی نیست.

شکل دوم انتقال حوزه‌های دخالت و تصدی دولت به بخش خصوصی است، اما نه در یک فضای رقابتی، بلکه در قالب اعطای امتیازات گوناگون به گروههای ذی‌نفع که عملاً در این وضعیت، شرایط شبه انحصاری دولتی به شرایط شبه انحصاری خصوصی تبدیل می‌شود.

شکل سوم از کارکرد اقتصاد بازار، ایجاد نظام اقتصادی پویاست که براساس این دو اصل فعالیت می‌کند: اصل اول، رقابت به معنی فراهم آوردن امکان رقابت عادلانه و شفاف برای همه آحاد مردم و احتراز از اعطای امتیاز انحصاری به گروهها و افراد خاص. اصل دوم، ایفای نقش توسط دولت در جهت مبارزه با فقرذاتی به معنی نوعی از فقر که ناشی از ناتوانی‌های جسمی و ذهنی به اشکال گوناگون و آسیب‌پذیری‌های ناخواسته اجتماعی است از یک طرف و مبارزه با فقر کارکردی که ناشی از نبود تحرک مناسب اقتصادی یا بهره‌وری پایین نیروی کار از طرف دیگر است.

این دو اصل، چارچوب کارکرد دولت را در یک اقتصاد رقابتی عادلانه ترسیم می‌کند که در آن رشد و رونق اقتصادی کاملاً همخوان و سازگار با عدالت اجتماعی است.

بنابراین اصلاح موارد شکست بازار و ارائه کارآمد کالاها و خدمات عمومی توسط دولتها

راه حل مساله فقر و نابرابری درآمدها در جوامعی است که سیستم اقتصادی مبتنی بر بازار دارند.

در تحلیل گسترده از عدالت اجتماعی، فقر نه صرفاً به صورت پایین بودن درآمد، بلکه به صورت محرومیت از قابلیت‌ها و توانمندیهای انسانی در نظر گرفته می‌شود.

یکی از مهمترین راههای توانمندسازی، توسعه منابع انسانی است. توانمندسازی از طریق آموزش و بهداشت عمومی، به شرط آنکه سایر شرایط رشد اقتصادی فراهم باشد یقیناً می‌تواند به ارتقای بهره‌وری و کاهش فقر کمک کند. با ارتقای قابلیت‌های انسانی، امکان مشارکت هرچه بیشتر آحاد جامعه از طریق ایجاد فرصتهای مساوی برای آنان فراهم می‌شود.

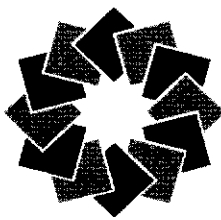
آموزش به عنوان یکی از راههای توسعه منابع انسانی از یک طرف توانمندسازی و بهره‌وری نیروی کار را بالا برده و از طرف دیگر با ایجاد توانمندیهای مهارتی به توزیع بهتر درآمد منجر شده و چرخه فقر را متوقف می‌سازد. البته مبارزه مستقیم با فقرذاتی همواره می‌بایست جزئی مهم از سیاستهای دولتها را در این چارچوب تشکیل دهد.

سیاستهایی که با اتخاذ آنها می‌توان عدالت اقتصادی - اجتماعی را تقویت کرد، به طور خلاصه به این شرح هستند:

- ۱ - سیاستهای گسترش حقوق و آزادیهای اساسی
- ۲ - سیاستهای بهبودبخشیدن به سازوکار بازار (رقابت)
- ۳ - سیاستهای توانمندسازی
- ۴ - سیاستهای مستقیم کاهش فقر و بازتوزیع درآمد.

تدبیر ضمن تشکر از برپایی چنین نشستهایی امیدوار است طرح چنین مباحثی به روشن شدن تنگناها و موانع اقتصاد کشور کمک کرده در نهایت موجب شود که مسئولان اقتصادی کشور با برنامه ریزی اصولی و سیاستگذاری‌های صحیح، بسترهای لازم را برای شکوفایی اقتصادی و پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی فراهم سازند. □

همایش  
باز آموزشی  
مدیران فنی و  
نگهداری و تعمیرات



Intl  
Physical  
Asset  
Management  
Conference

تهران ۲۴ تا ۲۷ مردادماه

سخنرانان کلیدی همایش

دبیر علمی همایش

Prof. Andrew Jardine  
University of Toronto, Canada



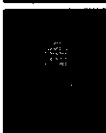
Prof. Anthony Kelly  
University of Manchester



Prof. Basim Al-Najjar  
University of Växjö, Sweden



Prof. Richard Dwight  
University of Wollongong  
Australia



Dr. Peter Knights  
University of Queensland  
Australia



Prof. Rommert Dekker  
Erasmus University Rotterdam



Ben Stevens  
OMDEC Inc, Canada



James V Reyes-Picknell  
Conscious Management  
Incorporated of Toronto



Dr. Ali Hajshimohammadi  
Isfahan University of Technology



Ali Zuashkiani  
University of Toronto, Canada



عناوین کارگاه های آموزشی

- بهینه سازی تصمیم های مربوط به نگهداری و تعویض
- ممیزی مدیریت نگهداری و تعمیرات
- هنر کنترل قطعات یدکی
- آشنایی با نگهداری و تعمیرات مبتنی بر قابلیت اطمینان (RCM)
- نگهداری و تعمیرات اقتضایی: مفهوم، نقش، کاربرد و آثار آن
- برکسپ و کار شرکت
- تحلیل نیازهای نگهداری و تعمیرات و ارائه برخی راه حل ها
- تدوین پروژه های موفق برای بهبود قابلیت اطمینان و نگهداری و تعمیرات
- نگهداری و تعمیرات جامع بهره‌ور (TPM)
- سیستم های مدیریت نگهداری و تعمیرات مکانیزه (CMMS)

پروفسور اندرو جاردین  
پروفسور آنتونی کلی  
پروفسور رامرت دکر  
جیمز پیکنل

پروفسور بسیم النجار  
پروفسور ریچارد دوایت

دکتر پیتر نایتس  
دکتر علی حاج شیر محمدی  
بن استیونس

عناوین سخنرانی ها

- سرآمدی نگهداری: بهینه سازی تصمیم‌های مدیریت دارایی‌ها
- ممیزی استراتژی نگهداری و تعمیرات در یک واحد شیمیایی بزرگ
- کنترل قطعات یدکی و ارائه چند مطالعه موردی
- ارزش RCM در کسب و کارهای امروز
- معرفی ابزارهای برای بهبود موثر بر سودآوری و مزیت رقابتی شرکت: مطالعه موردی
- برنامه جایگزینی دارایی: بخشی از فرایند کسب و کار
- پیشبرد پروژه‌های کسب و کار برای بهبود قابلیت اطمینان و نگهداری و تعمیرات

پروفسور اندرو جاردین  
پروفسور آنتونی کلی  
پروفسور رامرت دکر  
جیمز پیکنل

پروفسور بسیم النجار  
پروفسور ریچارد دوایت

دکتر پیتر نایتس

ثبت نام و ویژگی‌های همایش:

این همایش آموزشی بوده و طی ۴ روز مطالب جدید نگهداری و تعمیرات از طریق ۱۰ کارگاه آموزشی ۳ ساعته و ۱۰ سخنرانی ۱ ساعته ارائه خواهد شد. سخنرانان این همایش از اساتید و صاحبان نظران برجسته و شاخص دنیا می‌باشند. مطالب همایش با ترجمه همزمان ارائه خواهد شد. ثبت نام کنندگان در این همایش می‌توانند از کلیه کارگاه ها و سخنرانی ها استفاده نمایند.

تا تاریخ ۸۴/۲/۳۰	بعد از ۸۴/۴/۳۰
هزینه ثبت نام ۲/۹۵۰/۰۰۰ ریال	۳/۷۵۰/۰۰۰ ریال

شرکت کنندگان گرامی باید وجوه ثبت‌نام خود را به شماره حساب ۴۹۳۴/۵ به نام گروه پژوهشی صنعتی آریانا نزد بانک ملت شعبه سازمان خدمات درمانی واریز کرده و اصل مدارک خویش را به دبیرخانه همایش ارسال نمایند.

به تمامی شرکت کنندگان در این همایش گواهینامه معتبر با امضای دبیر علمی همایش ارائه خواهد شد.

